



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# نقش زنان در نهضت حسینی

زهرا فخر روحانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نقش زنان در نهضت حسینی

نویسنده:

زهرا فخر روحانی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	نقش زنان در نهضت حسینی
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	بانوانی که در کربلا به شهادت رسیدند
۹	بانوانی که همسر و فرزند خود را تقدیم نمودند
۱۰	بانوانی که علی رغم اصرار همسرانشان خاندان حسینی را ترک نکردند
۱۰	بانوانی که خانه‌هایشان مرکز تجمع شیعیان و بحث و تحلیل‌های سیاسی بود
۱۰	اشاره
۱۱	بانویی که به حضرت مسلم در شهر کوفه پناه داد و خانه اش را در اختیار او گذارد
۱۱	بانویی از طایفه بکر بن وائل
۱۱	بانوان قبیله بنی اسد
۱۱	بانوانی که بر همسرانشان به خاطر یزیدی بودن آنها شوریدند
۱۱	عیوف، همسر خولی
۱۲	نوار، همسر خولی
۱۲	هند، همسر یزید
۱۲	بانوانی که با افشاگری و خطبه خوانی پیام عاشورا را فریاد کردند
۱۲	اشاره
۱۳	ام کلثوم
۱۳	رباب همسر باوفای امام حسین
۱۳	فاطمه صغری
۱۴	بانوانی که در کربلا امانتدار امامت بودند
۱۴	ام سلمه

۱۴ ..... فاطمه بنت الحسین

۱۴ ..... حضرت زینب

۱۵ ..... بانوانی که عزت اهل بیت را پاس داشتند

۱۶ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نقش زنان در نهضت حسینی

## مشخصات کتاب

عنوان: نقش زنان در نهضت حسینی

پدیدآورندگان: زهرا فخر روحانی (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: قیام عاشورا

نوازندگان

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: , ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی

شناسه: [oai.tebyan.net/۳۸۴۲](http://oai.tebyan.net/۳۸۴۲)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۱/۳

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۱/۳

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

## مقدمه

یکی از شگفتی‌هایی که در حادثه کربلا به وضوح مشاهده می‌شود، و چهره حماسی حادثه عاشورا را برجسته‌تر می‌سازد، حضور فعال همه اقشار اجتماع در تولد آن تحوّل عظیم بوده است. کاروانی که از شهر مکه و از لابه لای مناسک حج راه خویش را یافته و راهی سرزمین حماسه و عشق «کربلا» می‌شود، کاروانی است متشکل از زن، مرد، پیر، جوان، نوجوان، خردسال و حتی کودک شیرخوار و غلام و برده. بررسی داستان کربلا و نقش اقشار مختلف اجتماعی در این حرکت پیام آور نکات قابل توجهی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) ایجاد تحوّل‌های اجتماعی، تنها با تحوّل در کلیه اقشار اجتماع متصور و ممکن است. ب) (انّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی یغیروا ما بأنفسهم) برخلاف قوم حضرت موسی (ع) که او را در برابر صحنه نبرد با دشمنان تنها گذارده و رها می‌کردند و می‌گفتند: (إِذْ هَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَفَاتِلَا إِنَّا هَهُنَا قَاعِدُونَ)؛ موسی تو و خدایت به جنگ بروید ما همین جا می‌نشینیم و منتظر نتیجه نبرد می‌شویم. در کربلا امام حسین (ع) همراهانی داشت که اگر چه اندک بودند، اما در برابر توصیه‌های

اکید آن حضرت به ترک نمودن صحنه نبرد هرگز او را تنها نگذارند. در این میان، سهم بانوان، گاه سنگین‌تر از سهم مردان کاروان بود، به ویژه که پس از عصر عاشورا و شهادت امام حسین (ع) با تحمل اسارت و آزار همواره بر اهداف حسینی پای فشرده و مکتب عاشورا را زنده نگهداشتند. ج) امامان معصوم و رهبران اجتماعی می‌بایست با همه اقشار اجتماع مرتبط بوده و چون پدری مهربان که با همه اعضای خانواده مرتبط است، از حضور و نقش همه اقشار اجتماعی در عرصه تحولات اجتماع استقبال نمایند. آنچه این مجموعه در صدد بیان آن است بررسی حضور و نقش بانوان در حادثه کربلاست. بر خلاف تصور مألوف، حادثه کربلا- یک جریان حماسی و عرفانی ویژه مردان نیست، بلکه نقش بانوان در این راستا چنان مشهود و واضح است که به جرأت می‌توان گفت: اگر فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های بانوان و به ویژه حضرت زینب کبری (س) نبود، هرگز خون امام حسین (ع) در مجرای صحیحی که بنیان یک انقلاب بود و به جاودانگی انجامید، جریان نمی‌یافت. اگر روشن‌گری‌های بانوان کاروان کربلا نبود، هرگز خبر حادثه کربلا به رغم تصور دشمنان با این سرعت و صراحت در اقصی نقاط کشور پهناور اسلامی آن زمان منتشر نمی‌شد و یا چنان که در بعضی حوادث اجتماعی دیگر دیده می‌شود، دست خوش تحریف یا تغییر و ابهام می‌شد. هدف از بررسی نقش بانوان در عرصه حادثه کربلا، بیان شگفتی‌هایی است که زن مسلمان می‌تواند در عین حفظ حجاب و عفت و در عین برخورداری از ارزش‌های یک زن مسلمان لرزش‌های اجتماعی و فرهنگی بیافریند. او می‌تواند با وفاداری به مقام ولایت و امام معصوم و رهبر و مقتدای خویش ثمرات بنیادین اجتماعی باشد و بدون نیاز به طرح پیش فرض‌هایی چون فمینیسم و تساوی حقوق زن و مرد در عین حفظ جایگاه شخصیتی و اجتماعی خویش در ایجاد تحولات اجتماعی، چنان موثر باشد که همه جا نامش و یادش و حماسه‌اش تالو نام امام معصوم (ع) قرار گیرد و همچون چراغ روشنی فرا راه آیندگان باشد. گفتنی است که نقش بانوان در کربلا تنها ویژه کسانی نبود که قافله را همراهی می‌کردند. گاه بانوانی در این حرکت صاحب نقش و اثر بوده‌اند که اصلاً موفق به حضور در کربلا نگردیدند، ولی نقش مؤثر آنان غیر قابل انکار است. از این دسته می‌توان به نقش بانوی پیراسته و مهدّبی، چون ام‌البین همسر حضرت امیرمؤمنان (ع) اشاره کرد، با آن که در کربلا حاضر نبود، ولی چهار گل به آستان حسینی تقدیم داشت و پرچمدار سپاه سیدالشهدا از دامان وی بود. او هم چنین با سوگواری پیوسته خود در شهر مدینه همواره یاد شهیدان کربلا را زنده می‌داشت و حوادث دلخراش و مصایب کربلا را یادآور می‌شد. به این ترتیب در این مجموعه کوشش می‌شود، تا نقش بانوان را در ده بخش مجزاً تقسیم و بررسی نموده. اگر چه به یقین این مختصر نمی‌تواند انعکاس کامل همه حقایق باشد که گفته‌اند: آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید. بدان امید که اسوه نیکو و الگوی شایسته همه کسانی باشد که می‌کوشند تا با متابعت از اولیای دین، راه صحیح هدایت را بیمایند.

### بانوانی که در کربلا به شهادت رسیدند

اکنون شایسته است جهت تیمن و تبرک، سخن را با نام بانوان سعادت مندی آغاز کنیم که با نثار خون خود بر پهنای زمین کربلا نام خود را در جوار نام شهیدان کربلا- جاودانه گردانیدند. «یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً» از این گروه می‌توان به نام «ام وهب» همسر عبدالله بن عمیر کلبی یکی از شهیدان کربلا اشاره کرد. ابو مخنف، راوی اولین مقتل شهیدان کربلا، می‌گوید: عبدالله بن عمیر کلبی به میدان جنگ رفت و با حضور او کارزار سختی در گرفت، به گونه‌ای که گرد و غبار این زد و خوردها از افق دید می‌کاست. وقتی گرد و غبار میدان فرو نشست، همسر عبدالله بن عمیر از خیمه‌ها خارج شد و به سوی میدان شتافت و چون با منظره شهادت همسرش مواجه شد، خود را به نزدیک بدن او رسانید و بالای سرش نشست و پیوسته می‌گفت: بهشت گوارای تو باد. امیدوارم خدا مرا نیز در کنار تو بپذیرد. چیزی نگذشت که شمر به غلامش رستم دستور داد، تا با ستون خیمه بر سرش بکوبد. عمود آهنین سرش را شکافت. او نیز در جای گاه شهیدان کربلا جای گرفت. هم چنین، عاتکه فرزند مسلم بن عقیل نیز از کسانی بود که



در اثر حمله دشمن به خیام، زیردست و پای اسبان قرار گرفت و به گونه‌ای سخت و مشقت‌آور به شهادت رسید. هم‌چنین، نام هانیه، نو عروسی که در کربلا به همراه همسرش از روز اول محرم و در مسیر حرکت سیدالشهداء اسلام آورده و به کاروان آن حضرت ملحق گردیدند، از شهیدان کربلا شمرده شده است. او نیز پس از شهادت همسرش وارد میدان شد و چون بر سر جسد بی جان همسرش نشست، غلام شمر او را به شهادت رسانید. گروه دیگری از بانوان که تأثیر حضور آنان در کربلا غیر مستقیم بود، بانوانی بودند که با تقدیم فرزندانشان به آستان حسینی، در یاری گری فرزند غریب رسول اکرم (ص) سهم داشتند. از این دسته، می‌توان به نام «ام البنین» اشاره کرد که مادر پرچمدار سپاه حسینی است. او علاوه بر تقدیم فرزند رشیدش ابوالفضل العباس به آستان حسینی، سه تن دیگر از فرزندانش را به گلستان حسینی تقدیم کرد و از این روی سهم به سزایی در کربلا داشت. ام لیلا- مادر حضرت علی اکبر (ع) همسر امام حسن و مادر قاسم بن الحسن (ع) و رباب همسر با وفای سیدالشهداء که فرزندش علی اصغر (ع) را به آستان حسینی تقدیم کرد، نیز از این گروه بانوان سعادت‌منداند. بخشی از این گروه، زنانی بودند که خود در خیمه‌های حسینی صحنه شهادت فرزندانشان را نظاره می‌کردند و در کربلا حضور داشتند. از آن جمله حضرت زینب کبری (س) بود که دو فرزندش «عون و محمد» در کربلا به شهادت رسیدند. لیلی مادر حضرت علی اکبر، مادر قاسم بن حسن (رمله)، مادر عمرو بن جناده و عبدالله بن مسلم از این گروه بودند. دسته سوم، بانوان بزرگواری بودند که ضمن حضور در کربلا، همسرانشان را به آستان حسینی تقدیم داشتند. از این دسته می‌توان به نام «ام هانی» فرزند امیرمؤمنان و «ام کلثوم» دختر حضرت زینب (س) اشاره کرد. هم‌چنین همسر عبدالله بن عمیر کلبی و همسر جناده بن کعب انصاری از این قسم بانوان اند. اگر چه تأثیر بانوانی، چون همسر زهیر «دلهم» با آن که در کربلا حاضر نبود، کمتر از تأثیر حضور اینان نبود. به ویژه آن که زهیر از مشورت با او، توفیق و سعادت یاری سیدالشهداء (ع) را دریافت. یکی از همراهان زهیر بن قین که در بازگشت از سفر حج با او هم سفر بود، گوید: ما به ناچار با قافله حسینی که راه به سوی کربلا- می‌پیمود، هم مسیر بودیم. به همین جهت زهیر می‌کوشید که هر کجا قافله حسینی توقف می‌کند، او حرکت کند و بالعکس، تا آن که به ناچار در یکی از منازل، هر دو در یک بیابان توقف کردیم. مشغول صرف غذا بودیم که فرستاده امام حسین (ع) آمد و زهیر را به نزد خویش خواند. زهیر نمی‌خواست آن حضرت را در این سفر همراهی کند، به همین جهت از دیدن فرستاده او خیلی ناراحت شد. ولی «دلهم» همسر زهیر گوید، به او گفتم: سبحان!... نمی‌خواهی به پسر رسول خدا جواب مثبت بدهی؟ می‌توانی نزد او بروی و سخنش رابشنوی و باز گردی. زهیر به پیشنهاد همسرش و علی رغم میل باطنی خود به سوی خیام حسینی رفت و از جمله برجسته‌ترین یاران حسینی و در شمار شهیدان سرشناس دشت گلگون کربلا جای یافت.

### بانوانی که همسر و فرزند خود را تقدیم نمودند

از این قسم می‌توان بانویی به نام «بحرّیه» را نام برد که وی همسر جناده بن کعب انصاری خزرچی و مادر عمرو بن جناده است. جناده از یاران سیدالشهداء بود که در جریان اولین حمله دشمن به شهادت رسید. پس از شهادت این صحابی با وفا، فرزند نوجوان او که یازده سال بیشتر نداشت خدمت امام حسین (ع) رسید و اجازه میدان خواست. امام حسین (ع) فرمود: این نوجوان پدرش در جنگ کشته شده و ممکن است مادرش ناراضی باشد. اما عمرو پاسخ داد: مادرم به من دستور داده که در جنگ شرکت نمایم. در نقل دیگری چنین آمده که امام حسین (ع) به او فرمود: پسر! پدرت به شهادت رسیده و اگر تو هم کشته شوی، مادرت در این بیابان به چه کسی پناه ببرد؟ جوان با شنیدن سخن امام خواست برگردد، اما مادرش به او گفت: پسر! آیا سلامتی خودت را بر یاری پسر رسول خدا (ص) ترجیح می‌دهی؟ نوجوان به سوی میدان رزم شتافت و جنگید تا به شهادت رسید. دشمن سرش را از بدن جدا کرد و به سوی خیمه‌ها پرتاب کرد. مادر جلو آمد سرش را برداشت و گفت: آفرین پسر. آن گاه سر بریده را برداشت و آن را چنان به سوی دشمن پرتاب کرد که با ضربه آن یکی از دشمنان به هلاکت رسید و خودش عمود خیمه‌ای را از جا کند و

رجز خوانان به سوی دشمن حمله کرد که امام (ع) در حق او دعا کرد و او را به خیمه باز گرداند. از دیگر بانوان این دسته می‌توان به ام کلثوم صغری (رقیه) دختر امیرمؤمنان (ع) اشاره کرد که همسر مسلم بن عقیل سفیر امام حسین (ع) بود. او که در مسیر کربلا خبر شهادت همسرش را دریافت، در روز عاشورا فرزندش را نیز به آستان حسینی تقدیم کرد.

### بانوانی که علی رغم اصرار همسرانشان خاندان حسینی را ترک نکردند

از خلال حدیث طولانی و زیبایی که از زبان شیرزن کربلا حضرت زینب کبری (س) در بیان حوادث شب عاشورا و احوال خيام حسینی در آن شب شنیده‌ایم در می‌یابیم که: پس از آن که امام حسین (ع) با یاران ثابت قدم خود اتمام حجت نمود و بیعت خویش را از آنان برداشت تا باز گردند، ولی هرگز کسی بازنگشت به آنان فرمود: خدا شما را رحمت کند و به شما جزای خیر عنایت فرماید؛ اکنون هر که به همراه خود خانمی آورده برخیزد و او را به قبیله بنی‌اسد - در نزدیکی زمین کربلا- بسپارد. بانوانی که به همراه من هستند، پس از مرگ من به اسارت دشمن در می‌آیند، می‌ترسم که زنان شما هم اسیر شوند، پس برخیزید و آنها را به بنی‌اسد بسپارید. علی بن مظاهر با شنیدن این سخن از جای برخاست و به سوی خیمه رفت. همسرش با دیدن او به احترام از جای برخاست و پرسید: شنیدم که غریب فاطمه در میان شما خطبه می‌خواند، اما در پایان جمله‌هایی فرمود که به خاطر مهمه مجلس، چیزی نشنیدم. آن جناب در جمع شما چه فرمود؟ علی بن مظاهر، پیغام امام را ابلاغ کرد و گفت: اکنون برخیز تا به سوی قبیله بنی‌اسد برویم و من تو را به آنها ملحق نمایم. اما همسر علی بن مظاهر با شنیدن این سخنان از جای برخاست و سرش را به عمود خیمه کوبید و اظهار داشت: به خدا قسم بی‌انصافی کردی، ای پسر مظاهر! آیا برای تو سهل است که دختران رسول خدا (ص) به اسارت بروند و من از اسارت دشمن در امان باشم؟ برایت سهل است که چادر از سر بانوان اهل بیت بردارند و من چادر بر سر داشته باشم؟ برایت سهل است که زینت‌های دختران رسول خدا (ص) را برابیند و من خود را به زینت مزین کرده باشم؟ آیا می‌خواهی تو روز قیامت نزد رسول خدا (ص) به خاطر یاری فرزندش روسفید باشی و من نزد فاطمه زهرا (س) رو سیاه؟ به خدا سوگند! که شما با مردان اهل بیت (ع) همراهی می‌کنید، ما نیز زنانشان را تنها نمی‌گذاریم. علی بن مظاهر با دیدگان گریان نزد فرزند رسول خدا (ص) بازگشت و عرض کرد: همسر من با آن که از قبیله بنی‌اسد است، اکنون از رفتن خودداری می‌کند و می‌خواهد با شما همراهی نماید. امام با شنیدن این خبر گریست و فرمود: خداوند به شما از جانب ما جزای خیر عنایت فرماید.

### بانوانی که خانه‌هاشان مرکز تجمع شیعیان و بحث و تحلیل‌های سیاسی بود

#### اشاره

در میان اهل کوفه که به تعبیر حضرت زینب (س) اهل دروغ و فریب کاری بودند و رفتار ناجوان مردانه‌شان با حضرت علی (ع) و مسلم بن عقیل سفیر امام حسین (ع) و خود آن حضرت شهره گردیده است. گاه بانوان غیرت مندی چون «ماریه عبدیه» را می‌بینیم که نه تنها در دل هوای یاری سیدالشهدا را دارد، که خانه‌اش را در مرکز حوادث توطئه آمیز عبیدالله به محلی امن برای هواداران سیدالشهدا تبدیل می‌کند. این بانوی شیعه - که از طایفه «عبدالقیس» بود و او را ماریه بنت سعد می‌نامیدند - مرکزی برای گفت و شنودها و تحلیل اخبار سیاسی آن روز به نفع سیدالشهدا: دایر نموده بود. وقتی این خبر به گوش ابن زیاد رسید، به عاملانش دستور داد از این عمل ممانعت کنند و راه منزل این بانو را برای شیعیان مشتاق سد نمایند. اما این بانو، اگرچه خود در عرصه کربلا حضور نیافت، توانست مردان جنگی را از خلال مباحث این خانه راهی کاروان حسینی نماید. از آن جمله یزید بن ثبیت و دو فرزند عبدا... و عبیدا... بن یزید از خلال مباحث و نقد و تحلیل‌های سیاسی در این خانه بود که راه خویش را یافتند و به مکه برای یاری فرزند

رسول خدا (ص) شتافتند.

### بانویی که به حضرت مسلم در شهر کوفه پناه داد و خانه اش را در اختیار او گذارد

از این دسته از بانوان که به گونه غیرمستقیم فرزند رسول خدا (ص) را یاری کردند، می‌توان از «طوعه» بانوی مجاهد و شیرزنی نام برد که در شهر نامردان - شهر پیمان‌شکنان کوفه - به سفیر سیدالشهدا: پناه داد و او را در غربت شهر کوفه تنها نگذارد. طوعه همان بانوی سعادت مندی است که یک شب، سفیر سیدالشهدا (ع) در خانه اش شب تا صبح را با عبادت به سر آورد و آماده فوز عظیم شهادت گردید.

### بانویی از طایفه بکر بن وائل

پس از شهادت امام حسین (ع) و یاران با وفایش در کربلا، لشکر عمر سعد به سوی خیمه‌های حسینی هجوم آورده، به غارت و آتش زدن خیم و آزار اهل حرم اقدام نمودند. در این میان، یکی از بانوان که لشکر عمر سعد را همراهی می‌کرد و از قبیله بکر بن وائل بود، با دیدن این منظره شمشیر کشید و به سوی خیمه بانوان شتافت و صدا زد: ای آل بکر بن وائل! چگونه ایستاده‌اید و غارت خیمه‌های دختران رسول خدا (ص) را تماشا می‌کنید؟ مردانگی و غیرتتان کجا رفته؟ آن گاه با شعار یا لثارات رسول... (ص) به حمایت از بانوان اهل بیت پرداخت. سخن از دل برخاسته این بانو، سرلوحه قیام‌های شیعی شد و به همین جهت قیام‌هایی که پس از آن برای خون خواهی امام حسین (ع) انجام یافت، غالباً با شعار یا لثارات الحسین (ع) شناخته می‌شد.

### بانوان قبیله بنی اسد

مطابق نقل مورخان، بانوان قبیله بنی اسد که در نزدیکی سرزمین کربلا بودند، پس از شهادت امام حسین (ع) به سرزمین کربلا آمده و چون دیدند که سپاه عمر سعد، کشتگان خود را دفن کرده، ولی شهیدان اهل بیت: و یاران امام حسین (ع) را با بدن‌های پاره پاره بر روی زمین رها کرده‌اند، نزد همسرانشان رفتند و گفتند: شما در پیشگاه خدا چه عذری دارید که فرزندان او را یاری نکردید. اکنون که از سعادت حمایت آل پیغمبر محروم شدید، برخیزید و این پیکرهای به خون آغشته را دفن کنید و راضی نشوید که بیش از این آفتاب بر این بدن‌ها بتابد. مردان قبیله بنی اسد با شنیدن این سخنان غیرت ورزیدند و به دفن شهیدان کربلا اقدام نمودند... همین بانوان سعادت مند بودند که در اربعین شهدای کربلا سه روز حضرت زینب (س) و همراهان او را در کربلا تنها نگذاشتند و با همدردی با آنان، خود را در مصیبت اهل بیت شریک دانستند.

### بانوانی که بر همسرانشان به خاطر یزیدی بودن آنها شوریدند

#### عیوف، همسر خولی

عمر سعد پس از واقعه کربلا، سر مقدس امام حسین (ع) را به خولی بن یزید اصبحی داد، تا نزد ابن زیاد ببرند. منزل خولی در یک فرسخی کوفه بود؛ شب یازدهم خولی سر سیدالشهدا: را به خانه آورد تا صبحگاهان نزد ابن زیاد ببرد. خولی دو همسر به نامهای «عیوف» و «نوار» داشت. عیوف از مسلمانان مدینه (انصار) بود و سخت دل بسته اهل بیت عترت و طهارت بود. خولی که از علاقه همسرش به اهل بیت (ع) مطلع بود، سر را مخفیانه درون تنوری پنهان کرد، ولی عیوف نیمه‌های شب نوری دید که از تنور به آسمان ساطع بود. او با اندوه فراوان از جای برخاست و شیون‌کنان در سوگ سیدالشهدا (ع) لباس ماتم به تن کرد.

## نوار، همسر خولی

خولی همسر دیگری به نام «نوار» داشت. آن هنگام که خولی به ناچار سر بریده امام حسین (ع) را به خانه برد، تا در فرصت مناسب به کاخ ابن زیاد ببرد، همسرش متوجه شد و به او گفت: وای بر تو! مردم طلا و نقره به خانه‌هاشان می‌برند و تو سر فرزند رسول خدا (ص) را به خانه آورده‌ای؟ به خدا سوگند! دیگر هرگز مرا در خانه خویش نخواهی دید و به این ترتیب از همسرش جدا شد. او می‌گفت: نوری دیدم که از آن سر به سوی آسمان می‌رفت و پرندگان سفیدی در اطراف آن تا صبح در پرواز بودند.

## هند، همسر یزید

هند فرزند عبد... بن عامر در خانواده‌ای یهودی متولد شده بود. او در اثر یک بیماری مادرزادی فلج بود. پدرش برای درمان وی پزشکان فراوانی را تجربه کرده بود، ولی نتیجه‌ای نگرفت. بهمین جهت به رسم آن روز در شهر مدینه او را به خانه حضرت علی (ع) برد تا اگر در این خانه شفا یافت، او را به کنیزی در آن خانه بگذارد. هند به دست امام حسین (ع) شفا یافت و به همین جهت در این خانه ماند و پس از شهادت حضرت علی (ع) برای کنیزی به خانه امام حسن (ع) رفت. در زمان خلافت معاویه به حسب تقدیر به ازدواج یزید درآمد و از مدینه رفت. اما به جهت آن که همه خاطرات دوران کودکی و نوجوانی او متعلق به شهر مدینه و خانه اهل بیت: بود، سخت به این خانه دل بسته بود. او که در شهر شام بود و از داستان حوادث کربلا خبری نداشت؛ روزی به همراه یکی از بانوان به خرابه شام رفت، تا از اسیرانی که به تازگی آنها را به شام آورده بودند، دیدن کند. حضرت زینب (س) و ام کلثوم (س) با دیدن هند او را شناختند، اما هند متوجه این امر نشد. به همین جهت از کاروان اسیران سؤال کرد: شما از کدام شهرها به این جا آمده‌اید؟ ابتدا کسی پاسخی نداد، ولی چون سؤال را تکرار کرد؛ حضرت زینب (س) فرمود: از شهر مدینه هستیم. هند با شنیدن نام مدینه از جای برخاست و گفت: بهترین سلام‌های من بر اهل مدینه. سپس گفت: می‌خواهم در مورد خانه‌ای از شهر مدینه سؤال کنم. آیا شما خانه و خاندان حضرت علی (ع) را در این شهر می‌شناسید؟ حضرت زینب (س) باز پرسیدند: از کدام یک از اعضای این خاندان می‌پرسی؟ هند گفت: می‌خواهم از احوال حسین (ع) و برادران و فرزندان او و خانم زینب (س) و خواهرش ام کلثوم و سایر بانوان بپرسم. حضرت زینب (س) با گریه جان سوزی در پاسخ او فرمود: اگر از خانه علی (ع) می‌پرسی، ما خانه او را در شهر مدینه ترک کرده‌ایم و منتظریم تا خبر مرگ بستگانش را به آن خانه ببریم. اما اگر از حسین (ع) می‌پرسی، سر بریده‌ای که در برابر یزید نهاده شده، از آن حسین است. و اگر از عباس و سایر فرزندان علی (ع) می‌پرسی، ما آنها را در کربلا با بدن‌های قطعه قطعه شده بر روی خاک رها کرده و به اینجا آورده‌ایم. اگر از زینب و ام کلثوم می‌خواهی، بدانی، من زینب (س) دختر علی (ع) و این هم خواهرم ام کلثوم هست. هند با شنیدن این سخن شیون سر داد و نعره کشان می‌گفت: آه، امام من، آقای من حسین! کاش پیش از این مرده بودم و دختران فاطمه (س) به این حال نمی‌دیدم. و آن چنان گریست که بی هوش بر روی زمین افتاد. وقتی به هوش آمد، حضرت زینب (س) کوشید تا او را آرام کند و به خانه برگرداند، ولی هند پیوسته گفت: به خدا سوگند! به خانه نمی‌روم، تا آن که برای آقا و مولایم ابا عبد... الحسین (ع) اقامه ماتم و عزا کنم و همه بانوان هاشمی را با خود به خانه ببرم. هند در میان یک مجلس عمومی، بر یزید به خاطر این بدرفتاری با خاندان اهل بیت: شورید و او را سرزنش کرد و یزید هم به ناچار گناه را به گردن ابن زیاد انداخت و او را لعن و نفرین کرد....

## بانوانی که با افشگری و خطبه خوانی پیام عاشورا را فریاد کردند

اگرچه در این خصوص برجسته‌ترین شخصیت مورد ذکر حضرت زینب (س) است که پیام خط سرخ حسینی را به شیوه زیبایی که ویژگی خاندان اهل بیت: بود، فریاد کرد. اما در مسیر این کاروان با حرکت‌های زیبای دیگری نیز در این خصوص مواجه می‌شویم، از آن جمله:

### ام کلثوم

ام کلثوم (س) در شهر کوفه در روز یازدهم محرم در خطاب سرزنش آمیز به اهل کوفه چنین فرمود: «ای اهل کوفه، وای به حالتان! با حسین (ع) چه کردید؟ او را تنها گذاشتید، به قتل رسانیدید و اموالش را به غارت بردید و خود را وارث او شمردید. زنانش را اسیر کرده، و آزار دادید. هلاکت بر شما باد، از رحمت خدا به دور باشید! که مصیبت بزرگی آفریدید! آیا می‌دانید بار چه گناه سنگینی را بر دوش خود نهاده‌اید و چه خون‌های پاک و مطهری را بر زمین ریختید؟ و چه اموال محترمی را به غارت بردید؟ شما برترین انسان پس از پیامبر را کشتید.» «قساوت باد شما را که از رحمت و مهربانی به دورید. به درستی که یاران خدا رستگارانند و حزب شیطان زیان کاران.» سپس در خلال اشعاری که سرود. فرمود: شما برادرم را به گونه زجر و سختی به شهادت رسانیدید، وای بر شما...! که به زودی آتش پاداشتان خواهد بود. خونی را بر زمین ریختید که خدای آن را محترم شمرده بود و قرآن و سپس رسول خدا ریختن آن را حرام. آتش روز قیامت پاداشتان باد که به یقین در آن جاودانه‌اید. من پیوسته تا زنده‌ام بر برادرم می‌گیرم، بر آن برادری که پس از رسول خدا (ص) برترین بود و اشک‌هایم همچون سیل و باران پیوسته بر گونه‌هایم جاری می‌شوند و هرگز خشک نخواهند شد.» صاحبان مقاتل گویند: پس از آن که ام کلثوم این عبارات را بیان کرد، مردم از گریه و شیون جنجالی به پا کردند و خاک بر سر خود می‌ریختند و صورت می‌خراشیدند و سیلی به صورت می‌زدند و واویلا می‌گفتند. سید بن طاووس در لهوف و محدث قمی در نفس‌المهموم می‌فرماید: پس از استماع این خطبه، مردان به سختی گریستند و هرگز دیده نشد، مردم به شدت آن روز گریه کنند.

### رباب همسر باوفای امام حسین

رباب یکی از همسران سیدالشهدا: بود که در کربلا کودک شیرخوارهاش در میان دستان امام حسین (ع) شربت شهادت نوشید و خود نیز به همراهی کاروان کربلا تا شام رفت. او در مجلس جشن یزید در شام چون سر بریده امام (ع) را دید سر را در آغوش گرفته بوسید و در ضمن اشعاری فرمود: آه حسینم! من هرگز حسین را که در برابر تیر و نیزه دشمنان قرار گرفت، فراموش نمی‌کنم. حسین را در کربلا فریب دادند، دعوت کردند و سپس با لب تشنه به شهادت رسانیدند. خداوند دشمنانش را در قیامت سیراب نگرداند. این اشعار که در آن مجلس بیان گردید، سندی شد که شهادت امام (ع) را به دست دشمنان اثبات می‌کرد و گرنه چه بسا دشمن در صدد آن بود که شهادت امام را مخفی داشته و چنان وانمود کند که در اثر بیماری از دنیا رفته است. این بانوی سعادت‌مند وقتی که در اربعین، کاروان به کربلا بازگشت، همراه آن به مدینه نرفت و مدت یک سال در کنار قبر امام حسین (ع) خیمه زد و به سوگواری پرداخت و گریست و عهد کرد که زیر آفتاب بنشیند و هرگز زیر سایه نرود، چون بدن امام حسین (ع) را زیر آفتاب کربلا دیده بود و سوگند یاد کرد که هرگز موهایش را شانه نزنند. صاحب مقتل لواعج الاشجان گوید: او پس از واقعه کربلا یک سال بیشتر زنده نماند و در این مدت هرگز زیر سایه بان نرفت.

### فاطمه صغری

فاطمه بنت الحسین (ع) فرزند سیدالشهدا و مادرش ام اسحق بود. وی نیز در کوفه پس از خطبه حضرت زینب (س) با رشادت

ویژه‌ای که شایسته فرزندی امام حسین (ع) است ابراز سخن کرد. او فرمود: «ای اهل کوفه، ای اهل مکر و فریب! ما را کافر شمردید و ریختن خونمان را حلال؟ خون از شمشیرها تان می‌چکد و شادمانی می‌کنید؟ به زودی عذاب بر شما نازل می‌شود. وای بر شما! با چه دستی بر ما ظلم کردید؟ و چگونه نفسی شما را بر کشتن ما ترغیب کرد؟ چگونه پاهایتان یاری کرد که به جنگ ما بیایید؟ قلب هایتان را قساوت گرفته و بر دل هایتان مهر زده شده است؟ چشم‌ها و گوش هایتان از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوان گردیده‌اند و شیطان عمل زشت شما را برایتان زیبا جلوه داد و بر چشم‌ها یتان پرده‌ای نهاد، که دیگر هدایت نمی‌شوید.» ای مردم کوفه هیچ می‌دانید که چند خون از رسول خدا بر ذمه شماست که از شما طلب خواهد کرد؟ آن مکرها و حيله‌ها که با برادرش علی بن ابی طالب کردید. حال با این همه ظلم و مکرها عده‌ای بر این اعمال زشت به دیده فخر و بزرگ منشی می‌نگرند. آیا به کشتن مردمی می‌نازید که خداوند آنان را به پاکی ستود و پلیدی را از آنان دور کرد؟ پس خشم خود را فرو برید که البته برای هر کس آنچه پیش می‌فرستد، باقی خواهد ماند. سخن که به این جا رسید، اهل کوفه با چشمان گریان نزد دختر رسول آمدند و از او خواستند که خاموش شود و بیشتر آنان را رسوا نگرداند.

### بانوانی که در کربلا امانتدار امامت بودند

#### ام سلمه

ام سلمه، یکی از برترین همسران پیامبر پس از حضرت خدیجه (س) بانوی بزرگوار و والا مقامی بود که به جهت شخصیت وی، اولاً: آیه تطهیر در شأن اهل بیت: در خانه او نازل شد. به علاوه رسول خدا (ص) داستان کربلا و مصائب سیدالشهدا: را بر او بازگو نموده و خاک کربلا را برایش به ودیعه نهاده بود که به محض وقوع آن حادثه عظیم و هولناک از آن مطلع گردد، که هم چنین نیز شد. عصر عاشورا، اهل مدینه دیدند که از خانه ام‌المؤمنین «ام سلمه» صدای شیون برخاست، چون علت را جویا شدند. فرمود: اکنون در عالم رؤیا پیامبر را دیدم که غبار آلود و خسته بود. پرسیدم یا رسول‌ا!...! کجا رفته بودی که چنین غبار آلوده‌ای؟ فرمود: اکنون از کربلا برمی‌گردم و شاهد شهادت فرزندم حسین (ع) بودم. ام سلمه گوید: چون از خواب بیدار شدم، به سوی تربت کربلا دویدم، دیدم خون تازه، درون شیشه می‌جوشد؛ دانستم که حسین در کربلا به شهادت رسید. به همین سبب اولین مجلس عزای امام حسین (ع) در مدینه مقارن با شهادت امام حسین (ع) در خانه ام سلمه برگزار گردید و اهل مدینه او را در این ماتم تسلا می‌دادند. ام سلمه، یکی از بانوانی بود که امام حسین (ع) به هنگام خروج از مدینه با او خداحافظی کرد و او را «مادر» خطاب نمود. او به اصرار می‌کوشید تا امام (ع) را از مأموریت رفتن به کربلا به خاطر عواقب آن باز دارد، ولی امام حسین (ع) این امر را مشیت پروردگار شمرد. امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که امام حسین (ع) به سوی عراق رهسپار گردید وصیت نامه و کتاب هایش را به ام سلمه سپرد و فرمود: هنگامی که فرزند بزرگم، نزد تو آمد و وصیت نامه را طلب کرد، آنها را به او بده. توجه به اهمیت این امانت، می‌تواند بیانگر شخصیت یگانه این بانوی بزرگوار باشد.

#### فاطمه بنت الحسین

فاطمه دختر امام حسین (ع) نیز یکی از بانوان محترمی بود که امام حسین (ع) امانت‌های امامت را به او سپرد، تا به امام سجاد (ع) برساند.

#### حضرت زینب

بی‌شک، یکی از برجسته‌ترین بانوانی که امانت‌های امامت را به نحو شاخص و ویژه‌ای حمل نمود و در زمان شایسته به صاحب آن امام عصر خویش، حضرت سجاد (ع) تحویل داد؛ حضرت زینب کبری (س) بود که نقش ویژه و شاخص این بزرگوار در حوادث کربلا برجسته‌تر از آن است که نیازی به ذکر و تحلیل آن باشد.

### بانوانی که عزت اهل بیت را پاس داشتند

اگرچه بانوانی که کاروان حسینی را همراهی می‌کردند از طبقات مختلف اجتماعی بودند، بانوانی، چون «کبشه» ام سلیمان، کنیزی بود که همسرش از یاران امام حسن (ع) بود و وقتی به عنوان پیک امام حسن (ع) به سوی اشراف بصره رفت به دستور عبیدالله او را به شهادت رسانیدند. در کربلا- به همراه پسرش افتخار همراهی سیدالشهدا (ع) و حضور در رکاب آن حضرت را یافت و پس از شهادت فرزندش به همراه اهل بیت به اسارت به شام رفت و سپس به مدینه بازگشت. و یا ام وهب که بانویی تازه مسلمان بود... حضور بزرگوارانی چون «فضه» کنیز حضرت زهرا (س) به جمع کاروانیان کربلا، معنایی دیگر می‌بخشید. این جمع به ظاهر ناهمگون و متفاوت در یک خصوصیت اشتراک یافتند که آن غیرتمندی شان، در پرتو عزت اهل بیت: بود. مطابق تواریخ وقتی امام حسین (ع) برای وداع آخر نزدیک خیمه‌ها آمد، بانوان را یک یک به نام صدا کرد و از آنان خداحافظی کرد و فرمود: «استعدوا للبلای... و لاتشکوا؛ خود را برای بلایا و مصایب آماده کنید و هرگز شکایت نکنید که اجران کم می‌شود. مصایب بانوان چندان سخت بود که امام حسین (ع) در وداع آخر خود می‌گریست. وقتی حضرت زینب (س) علت را جویا شدند فرمودند: «کیف لابیکی و عمّا قلیل تساقون بین العدی؛ چگونه نگریم که می‌دانم به زودی شما را به اسارت می‌برند. اگرچه در طول تاریخ کربلا به نام‌هایی از بانوان بر می‌خوریم که گاه به همراه همسر و فرزند خویش به کربلا آمده و آنها را در راه نهضت حسینی فدا کردند و خم به ابرو نیاورده و خود به اسارت رفتند، تا با اهل بیت امام حسین (ع) مواسات کنند، اما به یقین توجه به حوادث پس از شهادت امام حسین (ع) همواره از میزانی است که به وجود بانوان در کاروان حسینی معنا می‌دهد. به یقین این بانوان بودند که حوادث عاشورا را روایت کردند و سینه به سینه و منزل به منزل در طول سفر کربلا تا شام یاد شهیدان و اهداف آنها را زنده نگه داشتند. این بانوان بودند که با حفظ عزت اهل بیت (ع) با وجود همه مصایب روز عاشورا و شب و روز یازدهم و پس از آن تا شام که امام سجاد (ع) نزدیک سی و سه سال بر آنها گریست، خم به ابرو نیاوردند و ذره‌ای عقب نشینی نکردند و با تحمل همه سختی‌ها و شداید هر کجا کاروان کربلا پا می‌گذاشت، زمینه قیام و انقلابی را فراهم می‌کردند؛ چنان که حضور آنان در شهر شام - مرکز خلافت یزید - چنان کار را بر یزید دشوار کرد که ناچار شد در مقابل کارهای زشت خود زبان به عذرخواهی بگشاید و گناه را به گردن دیگران بیندازد و از آن مهم‌تر آن که به کاروانیان اجازه دهد درون کاخ او مجلس ماتم حسینی به پا کنند و بر سوگ امام شهیدان بگریند و... اگر چه در کربلا- درس‌های متفاوتی نهفته است و این حضور بانوان در آن مرحله حساس تاریخ، بیانگر نقش حساس آنان در اجتماع می‌تواند باشد، اما به یقین درس دیگری که از این داستان می‌توان آموخت آن است که کربلا صحنه نمایش توفیق‌های الهی بود. که «فی تقلب الأحوال علم جواهر الرجال؛ در سختی‌ها جوهره انسان‌ها آشکار می‌شود». کربلا- نمایش حضور بانوی کنیزی چون: فکیه در کنار بانوی متمول چون دلهم همسر زهیر است. نمایش نقش بانوانی که آسیه‌وار در خانه فرعون زمان بر اوشوریدند و خود راه خویش را یافته و رسالت خود را به انجام رسانیدند و سال‌ها پس از آن‌هم، بانویی چون ام البنین با یاد مصایب کربلا همه روزه مصایب کربلا را در برابر دیدگان اهل مدینه زنده می‌کرد و بر مصایب راد مردان حقیقتی سترگ اشک می‌ریخت. سخن را با کلامی از رهبر فرزانه انقلاب به پایان می‌بریم که فرمود: «اگر کشور بتواند جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی با همان معارفی که اسلام خواسته آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی کشور در آینده مضاعف خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن چندین برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانم‌ها در میدان‌های مختلف

این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود؛ یعنی همسر و فرزند او هم وارد شده‌اند. حضور مرد به این معنا نیست.».

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند



مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمتها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

